



انتشارات مشاوران آموزش
ناشر تخصصی دروس عمومی
ناشر تخصصی علوم انسانی



ساعد آقاسی



انتشارات مشاوران آموزش

ناشر تخصصی عمومی و علوم انسانی

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،
کوچه مهر، پلاک ۱۸
تلفن: ۶۶۹۵۳۳۰۵

دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

آقاسی، ساعد، ۱۳۳۶ :
مجموعه کتاب‌های مبحثی عروض و قافیه
تهران، مشاوران آموزش، ۱۳۹۸ .
لطفیان، فاطمه، ۱۳۶۹ - ویراستار
الهامی، نوشین، ۱۳۷۰ - ویراستار
میثمی، سیمین، ۱۳۷۰ - ویراستار
۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۲۵۵-۵ :
فیبای مختصر
۵۹۵۸۶۲۰ :

سرشناسه
عنوان
مشخصات نشر
شناسه افزوده

شابک
وضعیت فهرست نویسی
شماره کتابشناسی ملی

عنوان	مجموعه کتاب‌های مبحثی عروض و قافیه ۱۰ و ۱۱
ناشر	مشاوران آموزش
لیتوگرافی، چاپ و صحافی	فروز - شریف
شمارگان	۱۵۰۰ نسخه
قطع	رقمی
نویت چاپ	اول - ۱۳۹۹
قیمت	۳۹۰۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۱۸-۲۵۵-۵

آشنایی با گروه تولید کتاب عروض و قافیه

خانواده تألیف

مؤلف:	ساعد آقاسی
ویراستاران:	فاطمه لطفیان
	نوشین الهامی
	سیمین میثمی

خانواده چاپ و طراحی

طراح جلد:	آذر سعیدی‌منش
طراح لای‌اوت و گرافیک:	آذر سعیدی‌منش
صفحه‌آرا:	مجتبی حسنی ثمرین
حروف‌نگاران:	آرزو پورطهماسبی
	سارا عزیزی

نمای نزدیک ۱

مهم‌ترین حروف الحاقی که باید آن‌ها را به‌خاطر سپرد:

۱. مصوّت بلند «ی» در آخر واژه‌های قافیه (چه پسوند باشد چه جزء اصل کلمه باشد):
مثل «ی» در واژه‌های «مستی _ هستی»، «سیاهی _ تباهی» و «غنی _ منی»
۲. مصوّت کوتاه «ه» در آخر واژه‌های قافیه (چه پسوند باشد چه جزء اصل کلمه باشد):
مثل «ه» در واژه‌های: «خانه _ نامه»، «اندیشه _ پیشه» و «افتاده _ ساده»
۳. صامت «ی» به شرط آن‌که بعد از مصوّت بلند «ا» یا «و» بیاید:
مثل «ی» در واژه‌های: «جای _ نای»، «بوی _ سوی» و «مجوی _ بگوی»
- (نکته: صامت «ی» در واژه‌هایی مثل «ئی» یا «می»، الحاقی نیست؛ چون بعد از مصوّت‌های «ا، و» نیامده است.)
۴. شناسه‌ها (ـ م، ی، ـ د، یم، ید، ـ ند)
مثل «ـ م» در فعل‌های «نگیرم _ پذیرم» یا «ـ ند» در «نستانند _ دانند»
۵. ضمائر متصل (ـ م، ـ ت، ـ ش، ـ مان، ـ تان، ـ شان)
مثل «ـ ش» در واژه‌های «جانش _ هجرانش» یا «ـ ت» در «آزادت»

۶. (م) به معنی: (هستم)	(ی) به معنی: (هستی)	(یم) به معنی: (هستیم)	(ید) به معنی: (هستید)	(ند) به معنی (هستند)
(ام)	(ای)	(ایم)	(اید)	(اند)

- مثل «م» در واژه‌ها «دلشادم _ آزادم» یا «ند» در واژه‌های «حیرانند _ هجرانند»
۷. پسوندها در آخر واژه‌های قافیه، الحاقی‌اند؛ به شرطی که عیناً تکرار شده باشند و نوع آن‌ها یکی باشد (در این‌باره در صفحات بعد بیشتر بخوانید).
۸. هر آنچه بعد از «بن ماضی» یا «بن مضارع» بیاید، الحاقی است: مثل «ه _ ام» در واژه‌های «افسرده‌ام _ مرده‌ام»

نمای نزدیک ۲

پند نکته دربارهٔ مروف الماقی

- پسوندها وقتی الحاقی‌اند که عیناً در آخر واژه‌های قافیه تکرار شده باشند. به این بیت‌ها توجه کنید:
«گرفتم که خود هستی از عیب پاک تعتّت مکن بر من عیبناک» (تعتّت: سرزنش)
«ناک» در کلمهٔ «عیبناک» پسوند است امّا چون در مصراع اول نیامده، الحاقی نیست.
«گل نوشکفته است و سرو روان برآمیخته مهر او با روان»
- «روان» در مصراع اول به معنی «رونده» و از «رو» + پسوند «ان» ساخته شده ولی «روان» در مصراع دوم به معنی «روح» است و پسوند ندارد؛ پس «ان» در این بیت الحاقی نیست.
- «روزگاری است که سودای بتان دین من است غم این کار نشاط دل غمگین من است»
پسوند «گین» الحاقی نیست؛ چون در مصراع اول تکرار نشده است.
- شاعران، «م» شناسه و «م» ضمیر متصل و «م» به معنی «هستم» را یکی می‌دانسته‌اند و آن‌ها را در یک بیت به‌عنوان حروف الحاقی می‌آورده‌اند.
مثل قافیه کردن واژه‌های «گذرم _ سرم» که در اوّلی «م» شناسه و در دومی ضمیر متصل است.

(سراسری ۷۵)

حکیم سخن در زبان آفرین
نه با من که با نفس خود می‌کند
کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
یادم از کشته‌خویش آمد و هنگام درو

(سراسری ۷۷)

کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران
واندرین کار دل خویش به دریا فکنم
زنهار بد مکن که نکرده است عاقلی
چه کنم که هست این‌ها گل باغ آشنایی

(سراسری ۷۲)

افکنده از سیاست تو آسمان سپر
پلاستین معجر و قیرینه گرز
تا به سرهنگی او افراخت سر
رمه نیز چوپان ندارد ز پس

باد سرتاپای من قربان سرتاپای تو
صبرست دوی من و دردا که مرا نیست
ز سر برآمده در پا فتاده رفته ز دست
مددی که چشم مستت به خمار کشت ما را

فروماند در لطف و صنع خدای
که شیری برآمد، شغالی به چنگ
شد و تکیه بر آفریننده کرد
چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست

میاور به جان من و خود گزند
روی خلاص نیست به جهد از کمند او
تا نریزد بر تو، زهر آن زشت‌خو
چه شکر گویمت ای کارساز بنده‌نواز

محصول دعا در ره جانانه نهادیم
فراغت از تو میسر نمی‌شود ما را
ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد
مگر مشککش را کند منجلی

۱۵. قافیه در کدام گزینه، دارای حروف الحاقی است؟

- ۱ به نام خداوند جان آفرین
- ۲ بگفتا که این مرد بد می‌کند
- ۳ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
- ۴ مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

۱۶. قافیه در کدام بیت، حروف الحاقی ندارد؟

- ۱ بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران
- ۲ دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم
- ۳ دنیا نیرزد آن که پریشان کنی دلی
- ۴ ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی

۱۷. کدام بیت، ذوق‌افشانه است؟

- ۱ ای از مکارم تو شده در جهان خیر
- ۲ شبی گیسو فروشته به دامن
- ۳ کوه را هم تیغ داد و هم کمر
- ۴ همان باغیان نیست در باغ کس

۱۸. قاعده قافیه کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟

- ۱ ای سر سودایی من رفته در سودای تو
- ۲ بیمار غمت را به‌جز از صبر دوا نیست
- ۳ دلی چو زلف تو سر تا به پای جمله شکست
- ۴ ز شراب لعل نوشین، من رند بی‌نوا را

۱۹. حروف قافیه کدام بیت، طبق قاعده «۱» است؟

- ۱ یکی روبه‌ی دید بی‌دست و پای
- ۲ درین بود درویش شوریده‌رنگ
- ۳ یقین، مرد را دیده بیننده کرد
- ۴ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست

۲۰. حرف یا حروف قافیه کدام بیت طبق قاعده «یک» است؟

- ۱ مکن شهریارا دل ما نزنند
- ۲ گفتم به عقل پای برآرم ز بند او
- ۳ یار بد، مار است هین بگیریز از او
- ۴ منم که دیده به دیدار دوست کردم باز

۲۱. واژه‌های قافیه در کدام گزینه طبق قاعده «یک» است؟

- ۱ ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
- ۲ اگر تو فارغی از حال دوستان یارا
- ۳ دلم جز مهر مه‌رویان طریقی بر نمی‌گیرد
- ۴ یکی مشکلی برد پیش علی



۴. فعلاتن مفاعلتن فعلاتن مفاعلتن (فاعلاتن مفاعلتن فعلاتن مفاعلتن) اسکن کنید و بشنوید:

«عَلِمَ اللهُ كَيْ جَانِ مَنْ جَعَلَ كُنْشِيدَ مِنْ جَفَايَ تَو»

«تو چه دانی که از وفا چه نمودم به جای تو»

پِ جاي تْ مفاعلتن	ج نِ مودَم فعلاتن	کِ از وَ فا مفاعلتن	تْ جِ دانی فعلاتن
خِ فاي تْ مفاعلتن	چِ کِ شی دَر فعلاتن	کِ جانِ مَن مفاعلتن	عَ لَ مَلْ لَه فعلاتن

«چه عجب باشد آن مکان چو مکان لا مکان شود»

«چه زمان باشد آن زمان که بلرزد ز تو زمین»

زِ تْ مِیْکِ مفاعلتن	کِ پِ لَر دَر فعلاتن	شِ دَاکِ رَ مَکِ مفاعلتن	چِ رَ مانِ با فعلاتن
مِ کَاکِ شِ وَدِ مفاعلتن	خِ مِ کَاکِ لا فعلاتن	شِ دَاکِ مِ کَاکِ مفاعلتن	چِ عَ جَبِ با فعلاتن

«که به هنگام بر شدن برسد نردبان تو»
«به گلستان جان روان، ز گلستان رنگ و بو»
«دو سه روز شمرده را چو منم در شمار تو»
«که تویی عشق و عشق را نبود هیچ کس عدو»
«به کرم گر نظر کنی چه شود؟ چه زیان شود»

«نه مرا وعده کرده ای نه که سوگند خورده ای»
«من و دلدار نازنین، خوش و سرمست هم چنین»
«چه کنم عمر مرده را، تن و جان فسرده را»
«تو بگو باقی غزل که کند در همه عمل»
«بفشان گل که گلشنی همه را چشم روشنی»



۵. فعلاتن مفاعلتن فعلن (فعلن) فاعلاتن مفاعلتن فعلن (فعلن) اسکن کنید و بشنوید:

«که قمر چون رخ منیر تو نیست»

«نه خود اندر جهان نظیر تو نیست»

رِ تْ نیست فعلن	جِ هَاکِ نَ ظی مفاعلتن	نَ خُ دَن دَر فعلاتن
رِ تْ نیست فعلن	رُ خِ مِ نِی مفاعلتن	کِ دَقِ مَرِ چُن فعلاتن

«سپس او تو چون روی به شتاب»

«به چه ماند جهان مگر به سراب»

پِ سَ رَابِ فعلاتن	جِ هَانِ مِ گَر مفاعلتن	پِ چِ مَاتَدِ فعلاتن
بِ شِ تَابِ فعلاتن	تْ چُن رَوِی مفاعلتن	سِ پِ سِ اَوِ فعلاتن

بررسی چند اصطلاح عروضی



۱. پایه‌های آوایی: وقتی وزن بیتی را به شیوه سماعی (شنیداری) می‌یابیم، گوش ما نظمی را بین هجاهای کوتاه و بلند آن پیدا می‌کند و آن‌ها را چهارتا چهارتا یا سه‌تا سه‌تا یا چهارتا سه‌تا یا سه‌تا چهارتا و... از هم جدا می‌کند و مثلاً می‌گوید این مصراع از چهارتا «فاعلتن» تشکیل شده و وزن بیت «فاعلتن فاعلاتن فاعلاتن» است یا وزن مصراع دیگری را «فعلولن فعلولن» تشخیص می‌دهد؛ به بخش‌هایی که در یک مصراع وجود دارد و بین آن‌ها مکتبی هست «پایه آوایی» می‌گویند. هر پایه آوایی از چند هجا درست شده است. نامی که به این پایه‌های آوایی می‌دهیم، وزن واژه یا رکن نام دارد. مثلاً فاعلاتن یک وزن واژه و رکن و فعلولن، وزن واژه و رکنی دیگر است.

به بیت زیر نگاه کنید:

«هر که چیزی دوست دارد، جان و دل بر وی گمارد هر که محرابش تو باشی، سر ز خلوت برنیارد»

وزن بیت به شیوه سماعی یا شنیداری: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

هر	ک	چی	زی	دو	ست (س)	دا	رد	جا	ن	دل	بر	وی	گ	ما	رد
پایه آوایی اول				پایه آوایی دوم				پایه آوایی سوم				پایه آوایی چهارم			

هر کدام از پایه‌های آوایی بیت بالا از چهار هجا تشکیل شده‌اند. حالا یک‌بار دیگر به همان بیت نگاه کنیم:

	پایه آوایی اول				پایه آوایی دوم				پایه آوایی سوم				پایه آوایی چهارم			
هر	ک	چی	زی	دو	ست (س)	دا	رد	جا	ن	دل	بر	وی	گ	ما	رد	
هر	ک	مح	را	بش	ت	با	شی	سر	ز	خل	وت	بر	ن	یا	رد	
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	
	فاعلتن				فاعلتن				فاعلتن				فاعلتن			
دسته‌های هجایی (نشانه‌های هجایی)																
وزن‌واژه‌ها (ارکان)																

به این ترتیب، وقتی بیتی را تقطیع می‌کنیم یا به شیوه سماعی وزن آن را درمی‌یابیم، به نظمی که میان هجاها وجود دارد (بخش‌های جداگانه بر مصراع از نظر وزن)، پایه آوایی می‌گوییم. نشانه‌ها و علائم هجاهای کوتاه و بلند یعنی نشانه‌های «ل» و «—» هم، خوشه‌های هجایی نام دارند. وزن یک بیت مجموعه‌ای است از وزن‌واژه‌ها یا ارکان عروضی؛ درواقع وزن شعر از به هم پیوستن وزن‌واژه‌ها ایجاد می‌شود. بیشتر واژه‌ها حاصل سه یا چهار وزن‌واژه‌اند.

نمونه دوم:

«من امشب آمدستم وام بگزارم حسابت را کنار جام بگذارم»

وزن بیت به شیوه سماعی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

	پایه آوایی اول			پایه آوایی دوم				پایه آوایی سوم			
م	نیم	سب	آ	م	دس	تم	وا	م	بگ	زا	زم
ح	سا	بت	را	ک	نا	ر	جا	م	بگ	ذا	زم
—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	—	—
	مفاعیلن			مفاعیلن				مفاعیلن			
دسته‌های هجایی (نشانه‌های هجایی)											
وزن‌واژه‌ها (ارکان)											

ب) اختیارات وزنی

اختیارات وزنی فقط تغییراتی در تلقظ واژه‌ها ایجاد می‌کند تا شاعر بنا بر نیاز موسیقی و وزن شعر از آن‌ها استفاده کند. اختیارات وزنی هیچ تغییری در وزن شعر به وجود نمی‌آورد اما اختیارات وزنی این امکان را به شاعر می‌دهد تا وزن شعر را اندکی تغییر دهد. البته تغییراتی که گوش فارسی‌زبان‌ها آن‌ها را عیب نمی‌شمارد.

مثل تلقظ کردن واژه «پیشگن: پ _ ش _ کن: U U —» به صورت «پش کن: — —» یعنی به جای دو هجای کوتاه «U U» یک هجای بلند «—» بیاورد

اختیارات وزنی بر چهار گونه است:

1. بلند بودن هجای پایان مصراع؛
2. آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن؛
3. ابدال (آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه در کنار هم. در وسط مصراع)؛
4. قلب (جابجا کردن یک هجای کوتاه و بلند در کنار هم)

1. اختیار وزنی، «بلندبودن هجای پایان مصراع»

گوش فارسی‌زبان‌ها، هجای پایان مصراع را همیشه بلند می‌شنود؛ چه آن هجا، کوتاه باشد، چه بلند و چه کشیده. پس تمام مصراع‌های شعر فارسی به هجای بلند ختم می‌شوند. ولی اگر شاعر به جای هجای بلند، هجای کوتاه (U) یا کشیده (U —) آورده باشد، از یک اختیار وزنی استفاده کرده است.

* پیدا کردن این اختیار بسیار آسان است ولی معمولاً، اشاره به آن را فراموش می‌کنید.

نمونه اول: «لیلی سَمَن خزان ندیده مجنون چمن خزان رسیده» (مستفعل فاعلاتن فعلن)

د	دی	ت	زاکر	خ	ن	م	س	لی	لی	وزن اصلی:
ک					*					
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	
د	سی	ر	زاکر	خ	ن	م	ج	نور	مچ	

* (هجای پنجم مصراع اول دارای اختیار وزنی بلند تلقظ شدن مصوت کوتاه است.)

(در پایان هر دو مصراع، به جای هجای بلند، از هجای کوتاه استفاده شده است)

نمونه دوم: «رفتی و نمی‌شوی فراموش می‌آیی و می‌روم من از هوش» (مستفعل فاعلاتن فعلن)

موش	را	فت	وی	ش	می	ن	ئی	تی	رف	وزن اصلی:
ک										
—	—	U	—	U	—	U	U	—	—	
موش	تَز	م	وَم	ر	می	ئی	بی	آ	می	

در هر دو مصراع مطابق اختیارات وزنی به جای هجای بلند از هجای کشیده استفاده شده است.

۱۵. **گزینۀ ۳** (واژه‌های قافیه: بهاران - یاران) (حروف الحاقی: ان) (حروف اصلی: ار)

گزینۀ ۱: (واژه‌های قافیه: جان - زبان) (حروف اصلی: ان)

گزینۀ ۲: (واژه‌های قافیه: بد - خود «خ = د») (حروف اصلی: د - د)

گزینۀ ۴: (واژه‌های قافیه: «نو: ن و» - «درو: د و» و «حروف اصلی: و»)

۱۶. **گزینۀ ۲** (حروف الحاقی: گزینۀ ۱: ان) (گزینۀ ۳: ی) (گزینۀ ۴: بی)

۱۷. **گزینۀ ۱** (قافیه اصلی: خبر - سپر) (قافیه دوم: جهان - آسمان)

۱۸. **گزینۀ ۳** (واژه‌های قافیه: شکست - دست) (حروف اصلی: س - ست) (قاعده ۲)

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها: (سودا + ی - پا + ی) (دوا - مرا) (نوا - ما) (فقط گزینۀ ۱ حروف الحاقی دارد ← «ی») حروف اصلی در سایر گزینه‌ها: «ا» (قاعده یک)

۱۹. **گزینۀ ۱** (واژه‌های قافیه: پای - خدای) (حروف الحاقی: ی) (حروف اصلی: ا) (قاعده ۱)

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (رنگ - چنگ) (بیننده - آفریننده) (دوست - پوست)

حرف اصلی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (ن - نگ، ین، وست) (قاعده ۲)

۲۰. **گزینۀ ۳** (واژه‌های قافیه: او - خو) (حروف اصلی: «و») (قاعده ۱)

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (نژند - گزند) (بند - کمند) (باز - نواز)

حروف اصلی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (ن - ند، ن - ند، از) (قاعده ۲)

۲۱. **گزینۀ ۲** (رذیف: را) (واژه‌های قافیه: یا - ما) (حروف اصلی: «ا») (قاعده ۱)

در مصراع اول قافیه و رذیف در یک واژه قرار گرفته است.

واژه‌های قافیه در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (میخانه - جانانه ← «ه»: الحاقی) (بر - در)

(علی - منجلی ← «ی»: الحاقی)

حروف اصلی در سایر گزینه‌ها به ترتیب: (ان، ر، ل) (قاعده ۲)

۱۰۱. **گزینه ۱** ﴿ فاعل فاعل فاعلن فع
گزینه ۲: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
گزینه ۳: مفعلن مفعلن فاعلن
گزینه ۴: فعولن فعولن فعولن فعَل

۱۰۲. **گزینه ۳** ﴿ مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن = مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن
گزینه ۱: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
گزینه ۲: مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن مفا = مفعولُ فاعلاَتُ مفاعیلُ فاعلن
گزینه ۴: فعلاتن (فاعلاتن) فعلاتن فعلاتن فعَلن

۱۰۳. **گزینه ۲** ﴿ مستفعلُ فاعلاَتُ فعَلن = مفعولُ مفاعِلن فعولن
گزینه ۱: فعلاتن (فاعلاتن) مفاعِلن فعَلن
گزینه های ۳ و ۴: مفعلن مفعلن فاعلن

۱۰۴. **گزینه ۲** ﴿ مستفعلُ مفعولن مستفعل مفعولن = مفعولُ مفاعیلن مفعولُ مفاعیلن
گزینه ۱: فعلاتن (فاعلاتن) مفاعِلن فعَلن
گزینه ۳: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
گزینه ۴: مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن

۱۰۵. گزینه ۳: مستفعلُ فاعلات فعلن = مفعولُ مفاعِلن فعولن

گزینه ۱: فعولن فعولن فعولن فعَل

گزینه ۲: مفعِلن مفعِلن فاعِلن

گزینه ۴: فاعلاتن فاعلاتن فاعِلن

۱۰۶. گزینه ۴: مستفعلُ فاعلاتُ فعلن = مفعولُ مفاعِلن فعولن

گزینه ۱: فعلاتن (فاعلاتن) فعلاتن فعَلن

گزینه ۲: فعولن فعولن فعولن فعولن

گزینه ۳: فعولن فعولن فعولن فعَل

۱۰۷. گزینه ۱

۱۰۸. گزینه ۴: مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعلاتن

سایر گزینه‌ها: مفاعِلن فعلاتن مفاعِلن فعَلن

۱۰۹. گزینه ۲: مفعِلن فاعلاتُ مفعِلن

گزینه ۱: فعلاتن مفاعِلن فعَلن

گزینه‌های ۳ و ۴: مفعِلن فاعلاتُ مفعِلن فعَل